



## پشت پرویز خالی می‌شود؟

## تیتروهای امروز

ایران یک موشک دوربرد را با موفقیت آزمایش کرد

## خطا: صفر



حمیدرضا مقدم فر هشار داد

## کج فهمی مسوولان تصمیم‌سازی غربگرایان

## تندر ۹۰ و دنا آزاد شدند!

اسناد پاناما ابعاد جدیدی از رابطه آل سعود و صهیونیست‌ها را فاش کرد

## صدامک حامی انتخاباتی نتانیاهو

## روزنه

## آرایش غلیظ در شب‌های پسابرجام!

مهدی جابری

چرخش ریمبل به جای ساترنیفیوز، پن کیک در ازای کیک زرد، شیرپاک‌کن در برابر آب سنگین، ناخن مصنوعی به جای مشت‌های گره‌شده، خط‌چشم در برابر چشم‌انداز، برق ناخن در ازای دانش هسته‌ای و سفورای فرانسه به جای تالیسات نظنزا! غربی‌ها هرآنچه را بد می‌دانند، به بهانه دفاع از آزادی به بازار ایران می‌فرستند! لوازم آرایش از همین محصولات دوله است که هم می‌تواند ایرانی‌ها را به بیماری ظاهرپینی و خودنمایشی مبتلا کند و هم اینکه مقابله با آن می‌تواند برای بلند به اصطلاح آزادی‌خواهان را به دنبال داشته باشد.

۱۷ میلیون ایرانی تقریباً ۱۱ هزار میلیارد تومان در سال برای خرید محصولات آرایشی هزینه می‌کنند؛ محصولاتی که از فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا، ایتالیا، ترکیه و برخی کشورهای عربی از مجاری قانونی و غیرقانونی وارد کشورمان می‌شود تا افتخار و رتبه نخست را در خاورمیانه برای ایران به همراه داشته باشد و همچنین رتبه پنجم تا هفتم جهانی را نصیب ما کند! رتبه‌هایی که البته در پسابرجام از تقایف تا کسب مقام نخست جهانی در مصرف لوازم آرایش برای ایرانی‌ها دور از دسترس نباشد. این روزها که دولت ایران لایه‌لایه سپیاه توافق به دنبال روزنه‌ای از امید می‌گردد، فرانسه در اندیشه صادرات رنگ مو به ایران است. دولت ما در دوسوی پرتنزه‌های متن توافق به گشایش اقتصادی می‌اندیشد اما آنها خط ابرو و نرم‌کننده مو به ما تحویل می‌دهند تا جایی که خبرگزاری فرانسه (AFP) با چشم و ابروی دختران و زنان ایرانی هم‌چنین می‌سازد و این تیتیر را برمی‌گزیند: «درخشش لوازم آرایش فرانسوی بر صورت زنان ایرانی بعد از توافق هسته‌ای» همین کار را رویترز هم انجام می‌دهد و از استقبال چشمگیر ایرانی‌ها از محصولات سفورای فرانسه سخن می‌گوید یک مجله آمریکایی (فورچون) نیز این‌طور به دستاوردهای برجرام برای ایران اشاره می‌کند: «پس از توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، معروف‌ترین و بهترین محصولات آرایشی مرتبط با مو و صورت به ایران سرازیر شده است»

تحلیل غربی‌ها و اذعان آنها به دستاوردهای مبتدل و ناچیز توافق هسته‌ای از جمله افزایش صادرات محصولات آرایشی به ایران، بار دیگر نشان می‌دهد «حنای برجرام رنگ ندارد»

ادامه در صفحه ۵

## پاسخ تأمل برانگیز سخنگوی وزارت امور خارجه درباره دلیل رفتار آمریکا در پسابرجام

# برجام ضمانت اجرایی ندارد!



خود قدرت را نیز می‌آورد بنیادهای اصلی دموکراسی جهانی را هدف قرار می‌دهد و استبداد سیاسی و فرهنگی را بر جهان حاکم می‌کند. از نسوی دیگر، چنین حجم عظیمی از قدرت و ثروت مرزهای دولتی و هویت‌های ملی را در هم می‌شکند و ایدئولوژی مورد نظر خود را که همان نولیبرالیسم و نوحفاظله‌کاری است بر جهان حاکم می‌کند. کسانی که نبض اقتصاد جهان را به دست دارند و نان شب مردم را صدقه می‌دهند، بی‌گمان قادرند به آنها بگویند یا بقبولانند و تحمیل کنند که چگونه بپندیشند، چگونه زندگی کنند و چگونه بمیرند.

اما همان‌طور که به مفهوم «باشگاه الیگارش‌های جهانی» اشاره شد، در این باشگاه تنها سرمایه‌داران غربی وجود ندارند. باشگاه الیگارش‌های جهانی یک طبقه نیست و اعضای آن به درجه ۱ و درجه ۲ تقسیم می‌شوند. اعضای درجه ۱، غول‌های مالی‌ای هستند که به کشورهای بزرگ صنعتی غربی تعلق دارند و اعضای درجه ۲ نیز شریکان آنها در کشورهای جنوب و جهان سوم هستند. همان‌هایی که پیش‌تر از آنها با عنوان «الیگارش‌های قماربازان» را به کار برده‌اند که توصیف‌گر عصر جدیدی از سرمایه‌داری نو است. آنها در این باره به آثار ارتباط تکنولوژی اطلاعات و جهانی شدن هم نظر داشته‌اند. الیگارش‌های قماربازان متکی بر سرمایه و کالا نیست و سرمایه از تولید به دست نمی‌آید بلکه آنها با شرکدهای خاصی که مختص قماربازان حرفه‌ای است میلیون‌ها و میلیارد‌ها دلار به دست می‌آورند. شرکده قماربازان دسترسی به منابع اطلاعات و استفاده بموقع از اطلاعات به دست آمده است. محل بازی قماربازان حرفه‌ای، بازارهای بورس بین‌المللی است. در این بازارها از بخش‌های تجاری بانک‌ها گرفته تا شرکت‌های بیمه، تا صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بانکنسنگی و توافقات حرفه‌ای که با استفاده از آخرین تجهیزات الکترونیک خود را به سراسر جهان متصل می‌کنند و اطلاعات مربوط به قیمت‌ها و گاه بعضی اطلاعات سیاسی که بر رویدادها و از آنجا قیمت‌ها اثرگذار هستند، به دست می‌آورند و با تحلیل، واکنش‌های سریع و بهموقع نشان می‌دهند، حاضرند. الیگارش‌های قماربازان، جهان را همچون یک بازار بزرگ نگاه می‌کند؛ بازاری که مانند کشاورزی و صنعت نمی‌شوند اما آنها در تقویت جبهه خود این امور را از طریق رانت به وابستگان درجه چندم واگذار می‌کنند تا آنها که خودی محسوب می‌شوند و متصل به الیگارش‌های هستند اداره این امور را به دست بگیرند و در زمان و شرایط لازم از سرمایه اقتصادی و انسانی آنها جهت تقویت قدرت خود و همچنین در رقابت‌های داخلی استفاده کنند.

## الیگارش‌های قماربازان

محمد مهدی داماد

وجود داشت که سال ۱۹۱۰ به ۴۵ بانک رسید و سال ۱۹۷۰ این رقم به ۸ بانک کاهش یافت. در عوض تعداد شعب این بانک‌ها در مستعمرات سیاسی‌ای که تلاش داشتند از ایجاد یک «کاست الیگارش‌های» به وسیله نمایندگان جلوگیری کنند یا اینکه از بی‌تفاوتی و انفعال توده‌ها بکاهند اما این تلاش‌ها مانع پیشرفت روندها نشد و نتوانست به ایجاد دموکراسی واقعی یا نجات دموکراسی از چنگال الیگارش‌ها بینجامد.

در مجموع آنچه از اقتصاد سیاسی جهان به دست می‌آید، آن است که بیشتر قدرت اقتصادی و سیاسی جهان در دست عده معدودی است که به «باشگاه جهانی الیگارش‌های» تعلق دارند. اما این واقعیت به روش‌های مختلف توسط نویسندگان و اندیشمندان پویشنده و با توسل به مفاهیمی چون دموکراسی و مشارکت و جامعه مدنی پنهان می‌شود. فریب توده‌ها توسط آنها در نگاه خوشبینانه به دلیل «آرمان‌گرایی» یا «ساده‌انگاری» آنهاست اما واقعیت روابط فردی این افراد نشان می‌دهد آنان همان حلقه‌های فکری متصل به الیگارش‌های هستند که نظام سلطه الیگارش‌های را توجیه کرده و زیبا، عادلانه و دموکراتیک نشان می‌دهند؛ همان‌هایی که در دانشگاه‌ها علوم انسانی را بر پایه منافع الیگارش‌های نوین، تنظیم و تدریس می‌کنند. در حالی که زودن این شعارها و ایدئولوژی‌ها رسالت آگاهی‌بخشان جامعه است، با این توضیح باید تصریح داشت که در دنیای امروز، لیبرالیسم و نوحفاظله‌کاری که ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری هستند در واقع جلوه بزرگی از حکومت الیگارش‌های نوین هستند که پس از الیگارش‌های سنتی که عموماً صاحبان زمین بودند، با به منصف ظهور نهادند.

الیگارش‌های سنتی را که برای خود شرافت و بزرگی قائل بود و با این ویژگی‌ها از طبقات دیگر متمایز بود اشراف یا اریستوکرات می‌گفتند که با پایان دوره اریستوکرات‌ها و پیدایش جامعه صنعتی، الیگارش‌های دیگری جای آنها را گرفت. لذا با افول اریستوکراسی، الیگارش‌های بین‌نفت بلکه تنها جنس آن تغییر کرد. در این دوره هم باز گروه معدودی از صاحبان سرمایه و ثروت بودند که قدرت را در دست داشتند و مدیریت کردند. در این فرآیند سرمایه‌داران بزرگ، سرمایه‌داران کوچک را هضم کردند، مثلاً در انگلستان بانک‌های بزرگ‌تر بانک‌های کوچک را در یک دوره نسبتاً طولانی در خود جذب کردند. طبق آمار، سال ۱۸۹۰ در این کشور ۱۰۴ بانک سهامی

## نگاه

هستند افرادی که الیگارش‌های متعلق به جوامع ماقبل صنعتی که تکرر نهادهای مختلف اقتصادی و سیاسی وجود دارد، اگرچه ممکن است نشانه‌هایی از الیگارش‌های وجود داشته باشد اما این پدیده متعلق به دوران ماقبل صنعتی و سرمایه‌داری است. البته آنها این احتمال را هم می‌دهند که بر اثر رقابت و نزاع میان آن نهادها و گروه‌ها، در نهایت هرج و مرج پدید آید و در نتیجه به استبداد جدید الیگارش‌های انجامد. اما اندیشمندان بسیاری هستند که با نگرشی متفاوت ساختار قدرت در غرب و جوامع صنعتی را «الیگارش‌های» می‌دانند. آنها با توجه به اینکه تصمیم‌گیرندگان واقعی حکومت در این کشورها «الیگارش‌های» هستند، شعار «کثرت سیاسی و اقتصادی» به معنای تعریف‌شده در دموکراسی و جامعه مدنی را انکار می‌کنند. در یکی از این موارد «کارتیج کالهون» به بررسی این مساله در آمریکا پرداخته است. وی پس از بررسی ۳ نظریه معروف درباره «قدرت» یعنی دیدگاه «اقتصاد زیربنا»، «مارکس»، نظریه «خبگان» و دیدگاه «کثرت‌گرایانه» - که البته در آمریکا دیدگاه رسمی به این نتیجه می‌رسد که نخبگان سیاسی - اقتصادی که در جایگاه فرماندهی قرار می‌گیرند، با روش‌های مختلف و از جمله جذب نیروهای موافق در پی آن هستند که به موقعیت خود بقا و استمرار بخشند، بنا به تحقیق او، در این جوامع وانمود می‌شود کثرت‌گرایی مدرن اقتضا دارد در نظام دموکراسی همه در اداره جامعه سهم داشته باشند و این لازمه عدالت اجتماعی است اما وقتی معلوم می‌شود حدود ۲۵ درصد کل ثروت کشور در اختیار تنها نیم درصد افرادی است که آنها به طور ثابت صاحب بسیاری از موقعیت‌ها و مناصب بالا هستند؛ این باور نقض می‌شود. از این دست مطالعات بسیار است و از دانشوران غیرمشهور تا صاحب‌نام به این مقوله مهم «اقتصاد/سیاسی» پرداخته‌اند. به طور مثال «آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس مشهور انگلیسی نیز پس از مطالعه درباره شرکت‌های فراملیتی به این نتیجه می‌رسد که نیمی از بزرگ‌ترین واحدهای اقتصادی جهان این شرکت‌ها هستند که از میان ۲۰۰ شرکت بزرگ، ۸۹ شرکت در ایالات متحده مستقرند

در حقیقت این ساختار محصول فرآیند نظام سرمایه‌داری است که از قرن ۱۹ و قسمتی از قرن ۲۰ در غرب پدید آمد. این وضعیت که آن را نظام‌های دموکراتیک می‌خوانند، چیزی جز مشروعیت بخشیدن به قدرت نمایندگان الیگارش‌های نبود و آنچه بعد از آن صورت گرفت،